

The Jurisprudential Basis of Reduction in Ta'ziri Punishments in Iranian Legal Law

Zahra Forouzandeh Behbahani / PhD student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Qom Branch and M.A. in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom University

z.forouzandeh1995@gmail.com

 **Mohammad Nozari Ferdowsieh** / Associate Professor, the Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, University of Qom

Received: 2021/12/31 - Accepted: 2022/05/26

abasaleh.s@gmail.com

Abstract

One of the most fundamental issues in Islamic criminal law is the issue of ta'zirat. The purpose of imposing these punishments is to maintain order and security in society and to ensure the social interests of the Islamic society. From the perspective of Islamic jurisprudence, the imposition of ta'zirat and determining its amount is the authority of the Infallible Imam, ruler, or judge, and accordingly, reductions in such punishments should also be available to them in the first place. A reduction in ta'ziri penalties can have significant individual, social, cultural, political, and especially economic impacts. The aspects of reducing punishment are the subject of Article 38 of the Islamic Penal Code approved in 2013, which have been examined in this study using a descriptive-analytical method. The findings of this research show that the jurisprudential foundations of reducing punishments are of two types: general foundations, which are the legislator's purposes for legislating, which include: divine nearness, worldly and otherworldly happiness, social, economic, and political justice. These principles are not only the basis for reducing punishments, but also, in a way, are considered the red line of all legislative provisions. The second type is specific foundations, which are themselves divided into three categories: Quranic, narrational, and rational foundations, and each is divided into two categories. The first group are the foundations that prove the desirability of the principle of reducing punishment from the perspective of Islamic holy law, and the second group are the verses, narrations, and rational arguments that prescribe reducing some punishments according to the specific circumstances of the criminals.

Keywords: punishment, reduction of punishment, principles of reduction of punishment, purposes of the legislator, justice.

نوع مقاله: ترویجی

مبانی فقهی تخفیف در مجازات‌های تعزیری در حقوق موضوعه ایران

زهرا فروزنده بهبهانی / دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم

z.forouzandeh1995@gmail.com

abasaleh.s@gmail.com

 محمد نودری فردوسیبه / دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

چکیده

یکی از اساسی‌ترین مباحث حقوق جزایی اسلامی بحث تعزیرات است. هدف از وضع این مجازات‌ها حفظ نظم و امنیت جامعه و تأمین مصالح اجتماعی جامعه اسلامی است. از دیدگاه فقه اسلامی تعزیرات و تعیین میزان آن از اختیارات امام، حاکم یا قاضی است، و بر این اساس تخفیف در این گونه مجازات‌ها نیز به طریق اولی باید در اختیار آنها باشد. تخفیف در مجازات‌های تعزیری، می‌تواند تأثیرات شگرف فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و به‌خصوص اقتصادی در پی داشته باشد. جهات تخفیف مجازات موضوع ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، مبانی فقهی تخفیف در مجازات‌ها دو نوع است، مبانی عام که همان مقاصد شارع از تشریع است که عبارت است از: قرب الهی، سعادت دنیوی و اخروی، عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. این مبانی نه تنها مبانی تخفیف مجازات‌ها هستند، بلکه به نوعی خط قرمز تمامی احکام موضوعه تشریعی به‌شمار می‌روند. نوع دوم، مبانی خاص است که خود به سه دسته مبانی قرآنی، روایی و عقلی تقسیم می‌شود و هریک به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول، مبانی هستند که مطلوبیت اصل تخفیف مجازات از دیدگاه شرع مقدس اسلام را اثبات می‌کند و دسته دوم، آیات، روایات و استدلال عقلی است که تخفیف در برخی مجازات‌ها را با توجه به اوضاع و احوال خاص مجرمان تجویز کرده است.

کلیدواژه‌ها: مجازات، تخفیف مجازات، مبانی تخفیف مجازات، مقاصد شارع، عدالت.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق اسلامی مبحث مجازات‌هاست، که اگر به‌صورت صحیح و به‌دور از افراط و تفریط اجرا شود، بازدارندگی قابل‌توجهی در ارتکاب جرایم خواهند داشت. موضوع تخفیف در مجازات‌ها و یا حتی عفو یکی از فروع مهم مبحث مجازات‌هاست که در این تحقیق به بررسی جوانب مختلف آن پرداخته‌ایم. در این نوشتار به بررسی مبانی فقهی تخفیف در مجازات‌ها خصوصاً مجازات‌های تعزیری می‌پردازیم.

پژوهش‌های بسیاری در خصوص مبانی فقهی تخفیف مجازات انجام شده است، اما تحقیق جامعی که به تمامی مبانی عام و خاص (قرآنی، روایی و عقلی) بپردازد یافت نشد. اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در این موضوع به بیان مبانی قرآنی و روایی بسنده کرده‌اند.

مقاله «مبانی فقهی قاعده تخفیف و مسامحه در مجازات‌های حدی و تعزیری» (طالبی آشتیانی و دیگران، ۱۳۹۸)، با استفاده از آیات قرآن و روایات، ضمن تأکید بر این نکته که در اجرای حدود باید احتیاط کرد، نتیجه می‌گیرد که شرع پیش از اثبات جرم و اجرای مجازات، راه‌های سقوط مجازات و تخفیف و مسامحه در حدود را بررسی و امکان‌سنجی می‌کند. نویسندگان قاعده «الحدود مبنیه علی التخفیف» را یکی از قواعد فقهی اصطیادی می‌داند که مبانی آن در آیات، روایات و کلام فقها دیده می‌شود. همچنین تخفیف و مسامحه را از ارکان اصلی تشکیل‌دهنده فقه جزایی اسلام دانسته و معتقد است: هیچ حکم جزایی در اسلام نیست، مگر اینکه تخفیف و مسامحه در آن مؤثر است (طالبی آشتیانی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۲۰۷).

مقاله «تأملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲» (حاجی ده‌آبادی و رجبی، ۱۳۹۴)، رویکرد نظام کیفری اسلام را اصلاح مجرم، عدم تکرار جرم و حفظ امنیت جامعه می‌داند. نویسندگان ضمن بررسی نهاد توبه در فقه جزایی اسلام و بیان قاعده درآ، تعیین ملاک احراز توبه، پیش‌بینی تخفیف مجازات یا سقوط آن، حتی در تعزیرات منصوص شرعی، پیش‌بینی تأثیر توبه حتی در فرض تکرار جرایم تعزیری و پیش‌بینی تعزیر پس از سقوط حد به دلیل توبه در برخی جرایم حدی سنگین را برای درج در قانون مجازات اسلامی پیشنهاد می‌دهد.

پایان‌نامه مبانی فقهی تخفیف مجازات و عفو در قانون مجازات اسلامی/ایران (سلیمانیه آزادی، ۱۳۹۲)، بحث از مبانی فقهی تخفیف

مجازات را مطرح می‌کند. نویسنده طی پنج فصل مبانی فقهی تخفیف مجازات را در آیات قرآن، روایات و کتب فقهی مورد بررسی و واکاوی قرار داده است. وی معتقد است: اگر تخفیف و عفو حساب‌شده و دقیق صورت گیرد، آثار مثبتی از جمله ایجاد انس و الفت در بین افراد جامعه، حفظ بنیان خانواده، رفع دشمنی و کینه‌توزی، و حفظ دوستی را در جامعه ایجاد می‌کند.

بیان مبانی عام تخفیف در مجازات‌ها و تطبیق غایات و مقاصد شارع مقدس با موضوع احکام جزایی اسلام و به‌خصوص تخفیف مجازات، بیان مبانی عقلی تخفیف مجازات در قوانین جزایی اسلام از جمله نوآوری مقاله حاضر است.

سؤال اصلی پژوهش عبارت است: منظر فقه اسلامی، به‌خصوص مذهب جعفری، مبانی تخفیف در مجازات‌های تعزیری کدام است؟

سؤال‌های فرعی نیز بدین قرار است: ۱. در چه زمان، مکان و موقعیتی می‌توان در مجازات فرد بزهکار تخفیف قائل شد؟ ۲. وجوه تخفیف مجازات از منظر فقه اسلامی کدام است؟ ۳. مبانی هریک از وجوه ذکرشده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از منظر فقه اسلامی چیست؟

در ادامه به بررسی هریک از مبانی فوق می‌پردازیم.

۱. مبانی فقهی تخفیف مجازات

مبانی فقهی تخفیف مجازات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱-۱. مبانی عام

منظور از مبانی عام، مبانی فقهی است که نه‌تنها در خصوص تخفیف در مجازات‌ها به‌عنوان مبنا مورد توجه قرار می‌گیرند، بلکه مبانی بسیاری از احکام در فقه اسلامی هستند. مهم‌ترین مبانی عام در همه احکام شرعی رعایت مقاصد شارع مقدس در مقام عمل است، که البته کافی بودن رعایت مقاصد شارع، محل بحث است که در جایگاه خود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲. مبانی خاص

این دسته از مبانی، دربرگیرنده ادله‌ای خاص هستند که صرفاً دلالت بر

تخفیف مجازات دارند و یا به یکی از وجوه تخفیف مجازات اشاره می‌کنند. این ادله ممکن است آیاتی از آیات قرآن کریم باشند و یا روایات صادره از سوی پیامبر اسلام ﷺ یا ائمه اطهار ﷺ و یا ادله عقلی. هر کدام از ادله (کتاب، سنت، و عقل) را به‌طور جداگانه تبیین خواهیم کرد. ابتدا به بیان مبانی عام پرداخته و سپس مبانی خاص را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. مبانی عام

یکی از مهم‌ترین مبانی فقهی تخفیف مجازات، رعایت چارچوب شریعت اسلامی است و مهم‌ترین مؤلفه تشکیل‌دهنده چارچوب شریعت، وصول به مقاصد شارع مقدس است که نباید از آن عدول گردد. با توجه به اینکه هدف قانون‌گذار در تمامی حقوق موضوعه ایران رعایت قوانین شریعت اسلامی است و از سوی دیگر، تخفیف مجازات و موارد آن نیز باید بر مبنای شریعت اسلامی اجرا شود، لازم است چارچوب شریعت اسلامی و مقاصد شارع از شریعت - تا جایی که شناخته شده است - مغفول نمانده و رعایت گردد. البته ممکن برخی افراد مدعی شوند که رعایت مقاصد شارع به‌تنهایی برای درستی عمل کافی است، بدین بیان که شارع مقدس از تشریع شریعت و ضوابط احکام، مقاصد و غایاتی داشته است (که همان وصول به مصالح دنیوی و اخروی و اجتناب از مفاسد آن است)، حال اگر آن مقاصد و غایات شارع محقق گردد، برای درستی عمل کفایت می‌کند. در پایان این بخش به نقد و بررسی این ادعا خواهیم پرداخت.

برای روشن‌تر شدن بحث، ابتدا باید مقاصد شریعت را تعریف کرده و سپس رابطه بین آن و علم فقه را تعیین نماییم.

اسماعیل الحسنی نویسنده کتاب *نظریه المقاصد عند الامام محمد الطاهرین عاشور* در بیان نظریه ابن‌عاشور می‌نویسد: «ابن‌عاشور مقاصد شریعت را به دو قسم تقسیم و هر کدام را جداگانه تعریف کرده است:

قسم اول: مقاصد عامه تشریع: در تعریف این قسم می‌گوید: مقاصد عامه تشریع عبارت است از: مفاهیم و حکمت‌هایی که در همه احوال تشریع یا بیشتر احوال تشریع مد نظر شارع بوده است. قسم دوم: مقاصد خاصه تشریع: در تعریف این قسم می‌گوید: کیفیاتی که برای تحقق اهداف نافع مردم، یا حفظ مصالح عامه آنها در اعمال و رفتار

خاصشان مقصود شارع است» (الحسنی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۷ و ۱۱۸). الحسنی در تعریف مقاصد شارع، آن را - همانند ابن‌عاشور - به دو قسم تقسیم می‌کند: اول، اهداف احکام است که دربردارنده مصالح است و دوم، مفاهیمی که در خطابات قصد شده‌اند. وی در تعریف قسم دوم می‌آورد:

«بخش مفاهیم قصدشده از خطاب: و منظور از آن مفاهیمی است که شارع مقدس از کلام خود قصد می‌کند» (الحسنی ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۹).

علیدوست در این‌باره می‌نویسد: «بدون تردید معتبرترین منبع برای تبیین مقاصد شریعت، قرآن کریم، احادیث معتبر و عقل است و اگر برخی عالمان شیعه و اهل سنت در این خصوص نظرانی دارند، درواقع بیان درک عقل، و تفسیر و ترجمه آیات و احادیث واردشده در این زمینه است. بنابراین در تفسیر مقاصد شریعت باید به این سه منبع و اصل معتبر مراجعه نمود» (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰). وی در ادامه متذکر می‌شود که هدف غایی شریعت همان هدف غایی خلقت (ذاریات: ۵۶) است و مقاصد مطرح‌شده همگی باید در راستای نیل به هدف غایی خلقت باشد؛ چراکه پیگیری دو هدف متفاوت در تکوین و تشریع با حکمت سازگار نیست (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰).

در مورد تبیین مقاصد عامه شریعت نظریات مختلفی بیان شده، غزالی در مقام بیان مقاصد عامه شریعت می‌نویسد: «و مقاصد شریعت در قبال مخلوقات پنج تاست و عبارت است از: دین، جان، عقل، نسل و مالشان را حفظ کند، پس هرآنچه ضامن حفظ این اصول پنج‌گانه باشد مصلحت و آنچه که باعث از دست رفتن این اصول گردد مفسده بوده و دفع آن مصلحت است، حفظ این اصول پنج‌گانه در رتبه «ضروریات» قرار دارد که بالاترین مرتبه از مصالح است، به طور مثال... وجوب حد شرب خمر برای حفظ عقل که ملاک تکلیف است... و از این جهت است که هیچ‌یک از ادیان در تحریم کفر و قتل نفس و زنا و سرقت و شرب خمر اختلاف ندارند» (غزالی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۴).

همان‌طور که مشاهده می‌شود غزالی حفظ پنج عنصر دین، جان، عقل، نسل و مال را هدف عمومی شارع از تشریع احکام دانسته و برای هریک جداگانه دلیل می‌آورد، اما دو اشکال عمده می‌توان بر این کلام وی وارد کرد، یکی اینکه نوع استدلال وی این‌گونه است که از یک یا چند حکم جزئی، هریک از این مقاصد را برداشت کرده (مثلاً از تحریم شرب خمر برداشت حفظ عقل را کرده است)، که این نوع استدلال طبق تعریف، در زمره مقاصد خاص قرار می‌گیرد.

وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره: ۲۱۳)؛ مردم قبل از بعثت انبیا همه یک امت بودند، خداوند به خاطر اختلافی که در میان آنان پدید آمد، انبیایی به بشارت و انداز برگزید و با آنان کتاب را به حق نازل فرمود تا طبق آن در میان مردم و در آنچه اختلاف کرده‌اند حکم کنند.» در این آیه شریفه دو هدف تبشیر و انداز، و رفع اختلاف میان مردم برای ارسال رسل و تشریع احکام نصاً آمده است.

خداوند متعال در جای دیگر می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. در این آیه شریفه نیز بر هدف مهم «برقراری قسط و عدل»، به‌عنوان یکی دیگر از مقاصد عامه شارع مقدس تأکید شده است.

عدالت در جای دیگر قرآن نیز به‌عنوان نزدیک‌ترین عنصر به تقوا مطرح شده (هدف اولیه) (ر.ک. مانده: ۸)، همین تقوا نیز عنصر مهمی در تقرب به خدا و کرامت داشتن نزد اوست (هدف غایی) (ر.ک. حجرات: ۱۳).

می‌توان به‌طور قطع بیان داشت که اهداف اصلی شریعت که در قرآن کریم به آنها تصریح شده به ترتیب، تبشیر و انداز، رفع اختلاف میان مردم، و برقراری قسط و عدل است.

ازجمله مقاصد شارع از وضع قوانین جزایی و غیرجزایی اقامه عدالت، ایجاد امنیت فراگیر، حفظ نظم عمومی جامعه و رعایت حقوق فرد و جامعه است.

رعایت عدالت که همان غایت منصوصه سوم است که در آیات قرآن کریم آمده است، ایجاد امنیت فراگیر و حفظ نظم عمومی جامعه نیز هریک می‌تواند ذیل رفع اختلاف میان مردم تعریف شود. رعایت حقوق فرد و جامعه نیز ذیل مفهوم برقراری قسط و عدل تعریف می‌شود. و در پایان تمامی این موارد نیاز به تبشیر و انداز دارند.

اما شاید بتوان گفت مهم‌ترین مقصد شارع مقدس از وضع قوانین اسلامی به‌طور عام و قوانین جزایی به‌طور خاص، اقامه قسط و عدل در جامعه اسلامی است. رعایت عدالت اسلامی چه در اصل مجازات‌ها و چه در تخفیف در آنها، مهم‌ترین خط قرمز شریعت اسلامی است که نه در تصویب قوانین جزایی و نه در اجرای آنها

اشکال دومی که بر وی وارد است این است که این استدلال بر پایه استحسان قرار گرفته و نوعی بیان حکمت است و نه علت، که بتواند در راستای استنباط احکام شرعی استفاده شود. البته باید گفت که اولاً ممکن است همه یا برخی از این مقاصد مطرح‌شده در کلام غزالی از راه درست فقهی به‌عنوان مقصد عام شارع ثابت شود و ثانیاً، استدلال بر پایه استحسان طبق مبنای وی صحیح است، لکن بر مبنای حق فقه شیعه چنین استدلالی باطل است.

علیدوست نیز تبشیر و انداز، رفع اختلاف امت و قیام به عدل و قسط را ازجمله اهداف منصوصه قرآنی و تزکیه و پرورش، تعلیم و آموزش، اخراج از ظلمت و رساندن به نور (بصیرت) و بالا بردن بینش، برداشتن بارهای سنگین خرافه و جهل از دوش مردم، شکوفا نمودن استعدادها و خردهای پنهان در زیر غبار کفر، برخوردار کردن از زندگی پاکیزه و حیات طویه، تطهیر از زشتی‌ها و پلشتی‌ها، قیام به عدل و رسیدن به صلاح و فلاح را ازجمله اهداف کلان منصوصه در روایات برمی‌شمرد (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱ و ۱۲۲).

اهداف شریعت همان‌طور که علیدوست اشاره می‌کند (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱)، به سه دسته اهداف اولیه، میانی و نهایی تقسیم می‌شود که هدف غایی شریعت، همان هدف غایی خلقت، یعنی شناخت درست خدا و عبادت او از روی آگاهی است (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱ و ۱۲۲) و همان‌طور که حکمت اقتضا می‌کند اهداف اولیه و میانی باید در راستای تحقق هدف غایی باشند. مطابق تقسیم‌بندی فوق، قوانین جزایی (در مقام ثبوت) در اسلام (اعم از مجازات‌ها، عفو و یا تخفیف در مجازات‌ها) به شکلی تنظیم شده که تأمین‌کننده عدالت در جامعه اسلامی باشد (مقصد اولیه). با اجرای عدالت استعدادها شکوفا و زمینه‌ها آماده می‌شود و موانع رشد و تعالی برطرف می‌گردد (هدف میانی) و در نهایت بشر به تکامل نهایی، یعنی معرفت خداوند و پرستش آگاهانه وی دست می‌یابد (غایت نهایی). البته مثال فوق در مقام ثبوت است، که هدف این نوشتار کشف قوانین صحیح اسلامی (در مقام اثبات) در موضوع تخفیف در مجازات‌هاست تا بتواند غایت اولیه از تشریع احکام (اقامه قسط و عدل) را تأمین کند.

می‌توان بعضی از اهداف شریعت را از آیات قرآن استنباط نمود، در این زمینه به بیان دو آیه شریفه اکتفا می‌کنیم.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً

نباید از این خط قرمز عبور کرد.

به نظر می‌رسد دقیق‌ترین تعریف از عدالت همان است که مولای متقیان امیرمؤمنان^ع می‌فرماید که: «العدل یضع الامور مواضعها» (نهج البلاغه، ۱۳۸۸، ص ۳۷۸). البته تعریف به «إعطاء کل ذی حق حقه» (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱-۲، ص ۱۹۲) نیز مورد قبول است.

پس از کشف مقاصد عامه یا خاصه شریعت - که عدالت از مهم‌ترین آنهاست - و نیز پس از دانستن مفهوم عدالت، سؤال این است که این مقاصد - به‌خصوص عدالت - در راستای استنباط حکم شرعی چه تأثیری می‌گذارد؟ آیا تأمین مقاصد شریعت شرط کافی در استنباط احکام است و به صرف تحقق آنها حکم استنباط می‌شود (نظریه مقاصد بسند؟) یا اینکه مقاصد شریعت در روند استنباط احکام هیچ نقشی نداشته و استنباط احکام فقط از طریق ظاهر الفاظ منابع صحیح است (نظریه نص بسند؟) آیا می‌توان نظریه سومی ارائه داد؟ علی‌دوست پس از بیان پنج دیدگاه در رابطه با فقه و مقاصد، دیدگاه برگزیده خود را این‌گونه بیان می‌کند: «مقاصد شریعت و نصوص بیان‌کننده آن نمی‌تواند برای فقیه در استنباط احکام سند و دلیل قرار گیرد. منابع استنباط تنها ادله‌ای است که بیانگر حکم شرعی می‌باشد، لیکن توجه دقیق و دائمی فقیه به مقاصد در استنباط و کشف احکام از ادله و منابع معتبر ضروری است. چون این توجه باعث می‌شود در بسیاری از موارد، برداشت فقیه از ادله، غیر از برداشتی باشد که بدون این توجه صورت می‌گیرد» (علی‌دوست، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲).

نظریه ایشان نه نص بسند است (اینکه هیچ نقشی برای مقاصد قائل نباشد) و نه مقاصد بسند (اینکه تحقق مقاصد را شرط کافی بداند)، حتی مقاصد را شرط لازم هم نمی‌داند، بلکه معتقد است فقیه همیشه باید در روند استنباط احکام شرعی به مقاصد توجه ویژه داشته باشد.

پس از جمع‌بندی تمامی آراء فوق‌الذکر به نظر می‌رسد هیچ‌یک کامل نیست، بلکه نظر صائب این است که تحقق مقاصد شریعت باید به‌عنوان شرط لازم (و نه شرط کافی) در روند استنباط حکم شرعی پذیرفته شود، چراکه از یک‌سو در صورت عدم تحقق مقاصد، حکم استنباط‌شده هرچند به‌ظاهر مطابق ضوابط احکام باشد، لیکن هدف شارع مقدس را تأمین نمی‌کند، ازاین‌رو در اسلامی بودن آن تردید جدی وجود دارد، بلکه قطع به اسلامی نبودن آن است و از سوی دیگر، عدم توجه به ضوابط احکام و بسنده کردن به مقاصد نیز ما را به صواب نمی‌رساند؛ زیرا همه مقاصد شارع مقدس قابل

شناخت نیست و چه‌بسا یک یا چند هدف او را نشناخته، ولی در ضوابطی که در راستای بسنده کردن به مقاصد شناخته‌شده کنار گذاشتیم، لحاظ شده باشد؛ ازاین‌رو حکم مستنبطه از یک‌سو باید تأمین‌کننده مقاصد شناخته‌شده شریعت باشد و از سوی دیگر، لازم است مطابق با روش صحیح فقهی و ضوابط ظاهری عقود باشد.

با توجه به مباحث مطروحه می‌توان تحقق مقاصد شارع در زمینه مجازات‌ها را به‌عنوان مبانی عام تخفیف در مجازات‌های تعزیری برشمرد.

در ادامه به بیان و بررسی مبانی خاص تخفیف مجازات خواهیم پرداخت.

ب. مبانی خاص

پس از بیان مبانی عام، که علاوه بر اینکه مبانی تخفیف مجازات است، مبانی بسیاری از احکام در فقه اسلامی است، اکنون به بیان مبانی قرآنی تخفیف مجازات می‌پردازیم، که خاص تخفیف مجازات است.

ب.۱. مبانی قرآنی

در این زمینه می‌توان به آیات مختلفی از قرآن کریم اشاره نمود. در برخی آیات واژه تخفیف یا مشتقات آن به کار رفته و در برخی آیات پس از بیان مجازات یک جرم به یکی از جهات تخفیف در آن مجازات (عموماً توبه) اشاره شده است. به چند مورد اشاره می‌کنیم:

خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره مبارکه «نساء» می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»؛ خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند و (می‌داند که) انسان، ناتوان آفریده شده است.

آیه شریفه فوق در ادامه آیات قبلی (قبل از آیه ۲۸ سوره نساء) است که در مقام بیان احکام نکاح آمده است. در تفسیر اینکه تخفیف در چه چیزی است نظرات مختلفی وجود دارد، به طور مثال مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان در تفسیر این عبارت سه احتمال را ذکر می‌کند: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ»؛ خداوند می‌خواهد در مورد زن‌ها و اجازه ازدواج با کنیزان، برای شما تخفیف قائل شود. این معنی از مجاهد و طاووس است و ممکن است منظور این باشد که خداوند می‌خواهد با قبول و توفیق توبه برای شما تخفیفی بدهد و ممکن است منظور این باشد که خداوند می‌خواهد به‌طور کلی در تکالیف شما تخفیفی بدهد که نسبت به امت‌های پیشین چنین تخفیفی نداده بود» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۵۸).

البته به شکلی دیگر نیز می‌توانیم از این آیه جواز تخفیف در مجازات را استنباط کنیم. با این بیان که خداوند متعال وقتی می‌فرماید: خدا می‌خواهد به شما تخفیف دهد و سپس در ادامه می‌فرماید: انسان ضعیف خلق شده است؛ مثل این است که پروردگار هستی دلیل تخفیف بر مسلمین را ضعیف خلق شدن نفس انسانی بیان می‌فرماید. اگر اینچنین بیان کنیم - انسان به خاطر ضعیف بودنش مستحق تخفیف است - می‌توانیم همین تعلیل را در مجازات‌های حقوقی و کیفری نیز - در صورت عدم وجود مانع - ثابت کنیم.

علامه طباطبائی در این زمینه می‌آورد: «و بنا بر این... از قبیل ذکر مقتضی عام و سکوت از ذکر عدم مانع است، پس گویا فرموده: ما بر شما امت اسلام تخفیف دادیم، برای اینکه ضعف عمومی در نوع بشر اقتضا داشت تا جایی که موانع جلوگیری نشود ما این تخفیف را بدهیم» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۴۹؛ ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۸۱ و ۲۸۲).

توضیح اینکه، می‌دانیم اگر مقتضی چیزی موجود باشد، این مقتضی علت تامه وجود شیء نیست، بلکه جزئی از علت تامه است که در صورتی علت تامه می‌شود که مانع نیز مفقود باشد. حال در باب مجازات‌های کیفری نیز می‌توان از این مناط استفاده کرده و به تعبیر اصولی تنقیح مناط کرد؛ چراکه مطابق استنباط علامه علت و مناط حکم کشف شده و می‌توان حکم را در هر جای دیگر از احکام که مناط موجود باشد تسری داد، از این رو کسی نمی‌تواند این استنباط را قیاس بخواند. پس از آنجا که نفس انسانی ضعیف خلق شده، از این رو در صورت عدم وجود مانع می‌توان در کیفر مجرم تخفیف قائل شد. این موانع ممکن است بی‌عدالتی، بی‌نظمی و یا... باشد.

در این باره می‌توان به آیه ۶۶ سوره مبارکه «انفال» اشاره کرد: «الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فَيْكُمُ ضَعْفًا»؛ اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست. این آیه شریفه در باب جنگ نازل شده و در آیات پیشین می‌فرماید که هر ۲۰ نفر از مسلمین اگر صابر باشند جا دارد که بر ۲۰۰ نفر و هر ۱۰۰ نفر جا دارد که بر ۱۰۰۰ نفر از کفار غلبه کنند (انفال: ۶۵)، اما در این آیه شریفه خداوند سخن از تخفیف به مسلمین به میان می‌آورد؛ چراکه در ایشان ضعف وجود دارد. این آیه شریفه از این جهت می‌تواند مبنای تخفیف در مجازات باشد که خداوند تبارک و تعالی در ذیل آیه به علت (به عنوان علت غیرتامه یا مقتضی و به شرط عدم وجود مانع) تخفیف در تکلیف مسلمین (وجود ضعف) تصریح می‌کند. از

علامه طباطبائی در *المیزان* و در تفسیر این آیه شریفه احتمال چهارمی می‌آورد: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ، وَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا» ضعیف بودن انسان از این بابت است که خدای سبحان در او قوای شهویه را ترکیب کرده، قوایی که دائماً بر سر متعلقات خود با انسان ستیزه می‌کند، و وادارش می‌سازد به اینکه آن متعلقات را مرتکب شود، خدای عزوجل بر او منت نهاد، و شهوانی را بر او حلال کرد، تا به این وسیله سوژه شهوتش را بشکند، نکاح را به مقداری که غائله عسر و حرج او را برطرف سازد تجویز کرده فرمود: «وَأَجَلٌ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ»، و این ما وراء عبارت است از همان دو طریق ازدواج، و خریدن کنیز، و نیز به این وسیله آنان را به سوی سنن اقوامی که قبل از ایشان بودند هدایت فرمود، و تخفیف بیشتری به آنها داد و آن این است که نکاح موقت - متعه - را هم برایشان تجویز و تشریع کرد، چون با تجویز متعه، دیگر دشواری‌های نکاح دائم و مشقت لوازم آن، یعنی صدق و نفقه و غیره را ندارند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۴۹؛ ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۸۱ و ۲۸۲).

همان طور که از دو تفسیر بالا پیداست، چهار احتمال درباره وجوه تخفیف در این آیه ذکر شده است:

- الف. تخفیف در تکلیف در مورد زن‌ها و اجازه ازدواج با کنیزان؛
- ب. اینکه خداوند می‌خواهد با قبول و توفیق توبه برای مسلمین تخفیفی بدهد؛
- ج. اینکه خداوند می‌خواهد به طور کلی در تکالیف مسلمین تخفیفی بدهد که نسبت به امت‌های پیشین چنین تخفیفی نداده بود. سه احتمال بالا توسط طبرسی در مجمع *البیان* ذکر شده و احتمال چهارم را علامه طباطبائی چنین ذکر می‌کند:
- د. اینکه خداوند نکاح موقت (متعه) را نیز برای مسلمین تجویز و تشریع کرده است.

از میان چهار احتمال فوق احتمال دوم به نوعی می‌تواند مورد استناد ما قرار گیرد؛ زیرا سه احتمال دیگر تخفیف در تکلیف و این احتمال تخفیف در مجازات است، بدین بیان که مسلمین وقتی گناهی مرتکب می‌شوند جرمی را مرتکب شده‌اند که مستوجب مجازات است، و خداوند با قبول توبه و توفیق توبه به ایشان تخفیف داده و از مجازاتشان می‌کاهد. اگر این احتمال - که مرحوم طبرسی در مجمع *البیان* ذکر می‌کند - را بپذیریم، این آیه شریفه می‌تواند مبنایی برای تخفیف مجازات در دین مبین اسلام باشد.

این جهت این گونه استنباط می شود که هر کجا وجود ضعف در انسان احراز شده و مانعی برای اعمال تخفیف وجود نداشته باشد، اعمال تخفیف سزاوار است. از این رو با استفاده از تنقیح مناط (البته با توجه به اینکه در این آیه شریفه مناط حکم به صراحت ذکر شده است) می توان حکم تخفیف را از تکلیف به مجازات نیز سرایت داد. با این بیان، دو آیه شریفه فوق (نساء: ۲۸ و انفال: ۶۶) می توانند از مهم ترین مبانی تخفیف مجازات در فقه اسلامی باشند.

ب. ۲. مبانی روایی

پس از بیان مبانی قرآنی تخفیف مجازات اینک به بیان مبانی روایی این مبحث مهم قانون جزای اسلامی پرداخته و بررسی می کنیم. هریک از جهات مذکور در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بر اساس کدام یک از مبانی فقهی در قانون درج شده است.

ب. ۲.۱. روایات باب عفو

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که می فرمایند: «عفو کردن در عین قدرت، از سنن انبیا و اسرار پرهیزکاران است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۶). نیز حمران بن أعین از ایشان نقل کرده که فرمودند: «سه چیز از مکارم دنیا و آخرت است، کسی را که به تو ظلم کرد عفو کنی، با کسی که با تو قطع رابطه کرده ارتباط برقرار کنی، و اگر بر تو جهلی روا داشته شد صبر کنی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۷). در روایت ابو حمزه ثمالی از امام زین العابدین (ع) آمده: «در روز قیامت خداوند اولین و آخرین را در یک سرزمین گرد هم می آورد، سپس یک منادی ندا می دهد: اهل فضل کجایند؟ گروهی از مردم برمی خیزند، ملائکه با آنان ملاقات کرده و می پرسند: فضل شما چه بوده است؟ و آنان می گویند: با کسی که با ما قطع رابطه کرده بود، رابطه برقرار می کردیم؛ و به کسی که ما را محروم داشته بود، عطا می کردیم؛ و کسی که به ما ظلم روا داشته بود را عفو می نمودیم؛ پس به ایشان گفته می شود راست گفتید، داخل بهشت شوید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۷ و ۱۰۸). در روایت دیگر از امام صادق (ع) نقل شده که رسول خدا (ص) می فرمایند: «بر شما باد عفو کردن؛ چراکه عفو جز عزت را به بنده نمی دهد، پس از هم درگذرید تا خدا به شما عزت دهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۸). در روایت دیگر از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده که امر به عفو و گذشت از

لغزش های جوانمردان، می فرمایند، با این استدلال که اگر کسی از آنان بلغزد خدای متعال دستش را می گیرد و بلندش می سازد (نهج البلاغه، ۱۳۸۸، ص ۳۲۲). در خصوص این روایت - پس از تبیین دقیق معنای المروءة - می توان گفت که صاحب مروت بودن نیز باید در زمره جهات تخفیف مجازات قرار بگیرد که در قانون مجازات اسلامی ذکری از آن به میان نیامده است. البته می توان این گونه پاسخ داد که در بند ث ماده ۳۸ قانون م.ا مصوب ۹۲ حسن سابقه متهم از جهات تخفیف شمرده شده که شامل ذوالمروءة بودن متهم نیز می شود، هر چند که به صراحت ذکر نشده است. البته این موضوع جای بررسی بیشتر دارد.

ب. ۲.۲. روایات مربوط به تأثیر گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در تخفیف مجازات

در این بخش به بررسی مبانی روایی تأثیر گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در تخفیف مجازات مجرم می پردازیم.

ب. ۲.۲.۱. صحیحہ ضریس کناسی

از امام باقر (ع) نقل شده که می فرمایند: «از حدود الهی غیر از امام عفو نمی کند، اما در حق الناس اشکالی در عفو از سوی غیر امام (صاحب حق) نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۵۲).

حدیث شریف فوق دلالت بر این دارد که در مواردی که مجازات از نوع حد نیست یا از نوع حدودی است که جنبه حق الناس دارد (با توجه به اینکه در ادامه حدیث شریف حضرت حدود الهی را به وسیله عبارت «حق الناس» تخصیص زده اند)، صاحب حق می تواند، احقاق حق نموده و یا عفو کند.

ب. ۲.۲.۲. روایت حلبی

از امام صادق (ع) نقل شده که: «از ایشان درباره مردی که دزدی را گرفته سؤال شد، به این صورت که آزادش کند یا به محکمه ببرد؟ حضرت فرمودند: (روزی) صفوان بن امیه در مسجد الحرام دراز کشیده بود، ردایش را گذاشته و برای کاری از مسجد خارج شد، و در هنگام بازگشت دید که ردایش دزدیده شده، پس از پرس و جو سارق را یافته و نزد نبی مکرم اسلام برد، رسول اکرم (ص) امر فرمودند دست سارق را قطع کنند. صفوان سؤال کرد یا رسول الله، آیا دستش را

اما اگر صحیحه ضریس را مبنای عمل قرار دهیم، و با توجه به مبانی ولایت مطلقه فقیه که همان اختیارات امام معصوم را به دولت اسلامی (دولت به معنای اعم، یعنی حاکمیت اسلامی که در رأس آن ولی فقیه است) می‌دهد (ر.ک. موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۰۸). در این صورت در محاکمی که در ذیل حاکمیت ولی فقیه قرار دارد، قاضی حتی حق عفو و یا تخفیف در مجازات‌های حدی نیز دارد. البته این ادعا نیاز به بحث و بررسی جدی دارد، که به‌زعم نگارندگان و با توجه به روایات دیگر باب چنین فتوایی امکان صدور ندارد.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که در مجازات‌های تعزیری و در صورت گذشت شاکی، ولی‌امر (که در محاکم جمهوری اسلامی قاضی، منصوب با واسطه او و نماینده اوست) در اقامه تعزیر، تخفیف و یا عفو مختار و مخیر است. البته در این امر باید رعایت مصلحت فرد و جامعه را دقیقاً مد نظر قرار دهد.

ب. ۳-۲. روایات مربوط به تأثیر وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم، در تخفیف مجازات
در این بخش به بررسی مبانی روایی تأثیر «وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم» در تخفیف مجازات مجرم می‌پردازیم.

ب. ۱-۳-۲. روایت زراره درباره یهودیه‌ای که حضرت را سم داد
در زمان رسول‌الله ﷺ یک زن یهودیه‌ای را نزد حضرت آوردند که گوشت گوسفند را آغشته به سم نموده و قصد داشت به حضرت بخوراند، پس از آنکه حضرت از انگیزه او برای این کار سؤال کردند، پاسخ داد: با خود گفتم اگر پیامبر باشد که به او ضرری نخواهد رسید (چراکه عالم به غیب بوده و خواهد فهمید) و اگر پادشاه باشد مردم را از او راحت خواهم نمود. در اینجا حضرت او را عفو فرمودند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۸). حضرت از جرم مسلم این زن درمی‌گذرند شاید به‌خاطر اینکه انگیزه او در تعرض به جان رسول اکرم ﷺ بر هم زدن امنیت جامعه یا اخلال در رشد اسلام نبوده است. از این روایت می‌توان این‌گونه استنباط کرد که انگیزه فرد در ارتکاب جرم کاملاً در مجازات او مؤثر است، چه رسد به اینکه انگیزه مجرم شرافتمندانه باشد، البته با در نظر گرفتن طرق اولویت تخفیف نسبت به عفو.

اشکالی که ممکن است به ذهن مخاطب متبادر شود این است که حضرت رسول در این جریان، از تعرض به جان خودشان گذشت

به‌خاطر ردای من قطع می‌کنید؟ ایشان فرمودند: بله، صفوان گفت او را می‌بخشم، آنگاه رسول اکرم ﷺ فرمودند: عفو در صورتی مؤثر است که قبل از رجوع به من باشد. حلبی می‌گوید: از امام پرسیدم: آیا امام هم مثل پیامبر در این حکم است؟ حضرت فرمودند: بله. حلبی می‌گوید: درباره عفو قبل از رجوع به امام از حضرت سؤال کردم که فرمودند: نیکوست» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۵۱).

از این روایت شریفه این‌گونه برداشت می‌شود که در حدود اگر صاحب قبل از رجوع به امام (در زمان حاضر محکمه) از گناه مجرم گذشت کند، اشکالی ندارد، اما پس از رجوع به محکمه، گذشت از حق توسط ذی‌حق موجب اسقاط حد نمی‌باشد. با استفاده از مفهوم مخالفت، این‌گونه استنباط می‌شود که ذی‌حق در غیر حدود می‌تواند حتی پس از رجوع به دادگاه نیز از حق خود گذشته و باعث اسقاط و یا تخفیف در مجازات مجرم گردد.

ب. ۳-۲. حدیث سماعة بن مهران
از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمودند: «کسی که سارق را بگیرد و از او در گذرد، مانعی نیست، ولی اگر به امام رجوع کند، امام دست او را قطع خواهد نمود. حتی اگر کسی که از او سرقت شده بگوید از او گذشتم، باز هم امام او را آزاد نمی‌کند تا دست او را قطع کند؛ چراکه عفو و گذشت فقط در صورتی مانع حد است که قبل از رجوع به امام باشد. و این قول خداوند تبارک و تعالی است که (آن مؤمنان) حافظان حدود خدا (یند)، پس چنانچه به امام رجوع کند، هیچ کس نمی‌تواند او را رها کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۵۱).

از این دست روایات در کتب حدیثی باز هم وجود دارد که به جهت رعایت اختصار از بیان آنها چشم‌پوشی می‌کنیم. اما درباره استفاده از روایات مذکور، به‌جز صحیحه ضریس کناسی، دو روایت دیگر صراحت در این دارند که حدود منصوبه به‌هیچ‌وجه حتی از سوی امام نیز قابل گذشت نیست، اما ظهور صحیحه ضریس کناسی در این است که امام حتی می‌تواند از حدود نیز چشم‌پوشی کند. در هر صورت، با توجه به اینکه بحث تخفیف مجازات بیشتر در باب تعزیرات است و اینکه در روایات مذکور، گذشت از حدود ناممکن شمرده شده (با چشم‌پوشی از صحیحه ضریس) می‌توان از کلام معصوم، مفهوم مخالف گرفته و استفاده کنیم که در تعزیرات این‌گونه نیست و حاکم می‌تواند حکم به تخفیف مجازات و یا حتی عفو مجرم دهد.

کردند، که می‌تواند مصداق گذشت شاکی خصوصی باشد. اما بحث ما در تخفیف مجازات در جنبه عمومی جرم است.

در پاسخ باید توجه داشته باشیم که جرم اقدام به قتل دو جنبه دارد: یک جنبه خصوصی که مربوط به مدعی خصوصی است و یک جنبه عمومی که اخلال در امنیت جامعه است، تا چه رسد به اینکه اقدام به قتل متوجه حاکم اسلامی باشد. مطابق روایت مذکور رسول اکرم ﷺ مجرم را در این قضیه از هر دو جنبه عمومی و خصوصی عفو کردند که می‌تواند مبنای جدی برای مدعای ما باشد.

ب. ۲-۳. روایت علی ابن ابی رافع

علی ابن ابی رافع در عهد امیرالمؤمنین ﷺ کلیددار بیت‌المال بود. گردنبند مرواریدی از بیت‌المال را به صورت عاریه مضمونه به دختر حضرت علی ﷺ داد. وقتی حضرت از قضیه باخبر شدند به او فرمودند: همین امروز آن گردنبند را به بیت‌المال بازگردان و دیگر چنین کاری نکن که در این حال تو را مجازات خواهیم کرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۲۹۲).

شاید دلیل آنکه حضرت امیر از گناه ابن ابی رافع گذشتند، انگیزه او در خوشحال کردن ولی مسلمین بوده که خواسته با این کار دل امیرالمؤمنین ﷺ را شاد کند. اگر بتوان چنین استنباط نمود، این روایت می‌تواند دلیل بر مدعا باشد.

ب. ۲-۴. روایات مربوط به اقرار مؤثر متهم

در بعضی از موارد مجرم پس از ارتکاب جرم از کرده خود پشیمان شده و دچار عذاب وجدان می‌شود و در محکمه قضایی به جرم اقرار می‌کند. در هر صورت قانون مجازات اسلامی می‌گوید اگر وقوع جرم با اقرار مؤثر مجرم اثبات شد (مؤثر در نتیجه داشتن تحقیق و بررسی)، قاضی می‌تواند به او تخفیف دهد. در اینجا به مستندات روایی این جهت تخفیف مجازات می‌پردازیم.

امیرالمؤمنین علی ﷺ می‌فرماید: «العفو عن المقر لا عن المصر» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۸۹)؛ عفو و گذشت سزاوار کسی است که به گناه و خطای خود اقرار دارد، نه کسی که بر خطای خود اصرار می‌ورزد. روشن است که در این حدیث شریف امیرالمؤمنین ﷺ اقرار به گناه را مستوجب عفو می‌دانند، با توجه به طریق اولویت تخفیف بر عفو روشن است که اقرار متهم می‌تواند از عوامل تخفیف در مجازات او باشد.

مواردی نیز وجود دارد که معصوم ﷺ کسی را که به جرم خود اعتراف می‌کند را مورد عفو قرار می‌دهند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶ ص ۲۰۱).

همه این موارد دال بر این است که اقرار مؤثر متهم می‌تواند از جهات تخفیف در مجازات او باشد.

ب. ۲-۵. روایات مربوط به حسن سابقه متهم

حسن سابقه متهم یکی از جهات تخفیف مجازات است که در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ آمده است. روایاتی که می‌تواند مبنای این بخش باشد در ادامه می‌آید.

ب. ۲-۱. قضیه جاسوسی حاطب ابن ابی بلتعنه

این روایت یکی از مواردی است که می‌تواند دلیل بر این باشد که حسن سابقه مجرم می‌تواند علت تخفیف در مجازات او باشد. حاطب در این جریان در نقش جاسوس و ستون پنجم دشمن عمل کرد. وی طی نامه‌ای به کفار قریش، آنها را از قصد نبی مکرم اسلام برای حمله باخبر ساخت. وقتی رسول خدا ﷺ از جانب خدای متعال نسبت به این امر اطلاع یافتند، پس از گفت‌وگو با او، گناهِش را به‌خاطر شرکت در جنگ بدر عفو فرمودند (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۸۲). در این روایت شریف به‌روشنی می‌توان دریافت که رسول خدا ﷺ به‌خاطر حسن سابقه او که همانا شرکت در جنگ بدر است، از گناه او در گذشتند. این حدیث شریف با در نظر گرفتن طریق اولویت تخفیف بر عفو، می‌تواند مبنای محکمی برای این بند از قانون مجازات اسلامی باشد.

ب. ۲-۲. گذشت از گناه، جوانمردان، مؤمنین و...

امیرالمؤمنین ﷺ در نامه خود به رفاعه می‌فرماید: درباره خطاهای مؤمنان با آنان مدارا کن؛ چراکه پشت او به حمایت خدا گرم است و خود او نزد خدا مورد اکرام بوده و ثواب خدای متعال برای اوست (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ص ۲۸).

یا در جای دیگر چنانچه در بالا گذشت، حضرت امر می‌کنند که از گناه جوانمردان گذشت کنید؛ چراکه اگر کسی از آنان بلغزد خدای متعال دستش را می‌گیرد و بلندش می‌سازد (نهج البلاغه، ۱۳۸۸، ص ۳۲۲).

از مجموع این روایات می‌توان این استنباط را داشت که حسن سابقه متهم می‌تواند از عوامل تخفیف مجازات باشد.

ب. ۶-۲. روایات مربوط به وضع خاص متهم

یکی از جهات تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی وضع خاص متهم است که در اینجا به روایات مربوط به یکی از موارد آن، یعنی سن مجرم اشاره می‌کنیم.

جوانی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و به گناهش اعتراف کرد، حضرت فرمودند: می‌بینم که جوان هستی و اشکالی در بخشش تو نیست (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۱۲۷).

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که کودک اگر سرقت کرد در دو بار اول از او گذشت می‌شود و در بار سوم تعزیر می‌شود و در صورت تکرار سر انگشتان و در تکرار دوباره پایین‌تر از آن قطع می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۱۸۰).

از این روایات و روایات مشابه دیگر می‌توان استنباط کرد که سن متهم می‌تواند در تخفیف مجازات او مؤثر باشد.

موارد دیگری همچون جنسیت، شأنیت و عالم یا جاهل بودن متهم نیز ممکن است از مصادیق وضع خاص متهم باشد که به جهت رعایت اختصار از بیان آنها صرف‌نظر می‌کنیم.

تاکنون به بیان مبانی روایی چهار جهت از جهات تخفیف مجازات مندرج در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ پرداختیم. برخی دیگر از جهات تخفیف مثل اقدام متهم برای جبران زیان ناشی از جرم یا تلاش برای کاهش آثار جرم یا خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده مبانی عقلی دارد که در بخش بعدی به آنها می‌پردازیم.

ج. مبانی عقلی

تاکنون مبانی عام فقهی تخفیف مجازات مبانی خاص اعم از قرآنی و روایی را مورد بررسی قرار دادیم. اکنون به بررسی و بیان مبانی عقلی تخفیف مجازات می‌پردازیم. روشن است که هر عملی که موجب ایجاد آثار مثبت فردی و اجتماعی گردد، مورد تأیید عقل بوده و از سوی دیگر، هر حکم عقلی که از عقل قطعی ناشی شود، شرع نیز به همان حکم می‌کند.

تخفیف مجازات در برخی موارد آثار مثبت روان‌شناختی بر خود مجرم دارد. مجرم در برخی موارد وقتی می‌بیند مورد رأفت اسلامی قرار گرفته و در مجازات او تخفیف قائل شده‌اند، خود را مدیون جامعه اسلامی دانسته و پس از گذراندن مجازات تخفیف یافته خود، در جهت جبران آثار منفی جرم گذشته‌اش اقدام می‌کند. وی تصمیم

بر ترک جرم‌های دیگر گرفته و به هنجارهای قانونی و شرعی احترام کامل خواهد گذاشت. مجرمی که مورد تخفیف قرار می‌گیرد در بسیاری از موارد، در پی کاهش مجازاتش توان رسیدگی بیشتر و بهتر به خانواده خود خواهد داشت. بنابراین تخفیف مجازات در صورتی که چنین آثار مثبت فردی را داشته باشد، به حکم عقل جایز (و حتی لازم) بوده و مورد تأیید شرع مقدس اسلام نیز هست.

چهار مورد از جهات تخفیف مجازات در بخش مبانی خاص مورد بررسی قرار گرفته و مبانی روایی هریک بیان شد. شاید بتوان برای همه یا برخی از آن موارد هم استدلال عقلی اقامه نمود که برای رعایت اختصار از بیان آن صرف‌نظر نموده چهار جهت دیگر را بررسی می‌کنیم.

ج. ۱. همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

از یک‌سو تردیدی در این نیست که در صورت همکاری متهم در موارد فوق‌الذکر، اولاً آثار زیانبار جرم کاهش می‌یابد، ثانیاً اجرای عدالت سهل‌الوصول‌تر می‌گردد و در نهایت، هزینه تحقیقات و مخومه کردن پرونده کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر، روشن است که متهم در صورتی که امیدوار به عفو یا تخفیف در مجازات باشد، به همکاری در به‌نتیجه رساندن پرونده و تحقیقات قضایی ترغیب می‌شود. از این‌رو عقل حکم می‌کند قانون‌گذار، با هدف حصول نتایج مثبت ذکرشده، این مورد را یکی از عوامل تخفیف در مجازات مجرم در نظر بگیرد. در نتیجه این حکم عقل نیز مورد تأیید شارع مقدس نیز خواهد بود.

ج. ۲. کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

چنان‌که در قسمت قبل ذکر شد تخفیف آثار جرم به‌خودی‌خود مطلوب است. از سوی دیگر، جبران زیان ناشی از جرم نیز مطلوب است. با همان استدلال قبلی روشن می‌شود که این عامل هم به حکم عقل باید از جهات تخفیف مجازات بوده و شرع نیز مؤید این حکم عقل خواهد بود.

ج.۳. خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیانبار جرم در صورتی که زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیانبار جرم خفیف باشد، ممکن است عدم تخفیف در مجازات مجرم، موجب ایجاد مشکلات روحی در وی گردد. در چنین حالتی تخفیف در مجازات او با هدف جلوگیری از آن آسیب‌های روحی و روانی، عقلاً لازم می‌شود و شرع هم آن را تأیید می‌کند.

ممکن است سؤال شود که این آسیب‌های روحی و روانی، ممکن است بر هر مجرمی وارد آید، چرا تخفیف را فقط برای چنین حالتی در نظر می‌گیرید؟

در پاسخ باید بگوییم: در صورتی که زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیانبار جرم خفیف نباشد، ممکن است تخفیف در مجازات جرم خلاف عدالت باشد، درحالی که اگر این دو مورد تخفیف باشد تخفیف مجازات با عدالت منافاتی ندارد.

ج.۴. مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

در صورتی که اولاً نقش متهم در ارتکاب جرم مباشرت نباشد (شراکت یا معاونت باشد) و ثانیاً این شراکت و معاونت ضعیف باشد، ممکن است عدم تخفیف در مجازات مجرم، موجب ایجاد آسیب‌های روحی و روانی جدی در وی گردد. در این صورت، تخفیف در مجازات او با هدف جلوگیری از آسیب‌های روحی و روانی، به حکم عقل واجب شده، و در نتیجه شرع نیز بر آن صحه می‌گذارد.

ممکن است سؤال شود که این آسیب‌های روحی و روانی، ممکن است بر هر مجرمی وارد آید، چرا تخفیف را فقط برای چنین حالتی در نظر می‌گیرید؟

در پاسخ باید بگوییم: در صورتی که متهم مباشر در وقوع جرم باشد یا نقش شراکت یا معاونت قوی داشته باشد، شاید تخفیف در مجازات او خلاف عدالت باشد، درحالی که اگر دو شرط فوق با هم محقق شود تخفیف مجازات با عدالت منافاتی ندارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به جمیع مقاصد شارع مقدس در تشریع احکام که مهم‌ترین آنها عبارتند از: تبشیر و انداز، رفع اختلاف میان مردم و برقراری قسط و عدل. می‌توان تحقق مقاصد شارع - که مهم‌ترین آنها تحقق و بسط عدالت در سطح جامعه است - در زمینه مجازات‌های تعزیری

را مهم‌ترین مبنای عام تخفیف در مجازات‌های تعزیری برشمرد. البته باید توجه داشت که مبنای عام نه‌تنها یکی از مهم‌ترین مبنای تخفیف مجازات هستند، بلکه مبنای اجرای مجازات‌ها و حتی تمامی احکام الهی‌اند (از این رو به‌عنوان مبنای عام مطرح شده است)، به‌طوری که در صورت عدم حصول آن مقاصد غرض شارع مقدس از تشریع حاصل نشده و تشریع بی‌فایده می‌گردد. از جمله مقاصد شارع از وضع قوانین جزایی، اقامه عدالت، ایجاد امنیت فراگیر، حفظ نظم عمومی جامعه و رعایت حقوق فرد و جامعه است. مبنای فقهی خاص تخفیف در مجازات‌های تعزیری عبارتند از: مبنای قرآنی، مبنای روایی و مبنای عقلی. مبنای قرآنی تخفیف مجازات مستند به دو آیه شریفه ۲۸ نساء و ۶۶ انفال است. البته برای مبنای قرآنی به آیات دیگری نیز می‌توان استناد کرد که در این مختصر نگنجید. مهم‌ترین مبنای روایی برای اثبات جواز در تخفیف مجازات‌های تعزیری دعوت به عفو از سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام است، که با استفاده از حدیث شریف «تخلقوا بأخلاق الله» می‌توان نتیجه گرفت که دعوت به عفو در راستای همین امر به تخلق به اخلاق الهی است. به عبارت دیگر، عفو یکی از اخلاق حسنه الهی است که مسلمین نیز به آن دعوت می‌شوند. وقتی عفو یکی از اخلاق الهی باشد به طریق اولی تخفیف در مجازات نیز از اخلاق حسنه الهی خواهد بود. مبنای روایی دیگر و مبنای عقلی نیز به صورت جداگانه مبنای هریک از جهات تخفیف مجازات است. البته باید توجه داشت که اصول پیش‌گفته نه‌تنها مبنای تخفیف در مجازات‌های تعزیری است، بلکه می‌تواند مبنای تخفیف در برخی مجازات‌های حدی نیز باشد (البته شروطی دارد که با توجه به موضوع این نوشتار به آن نمی‌پردازیم). اما این امر خللی به اثبات تخفیف در مجازات‌های تعزیری وارد نکرده و کماکان مبنای تخفیف در این‌گونه مجازات‌ها نیز خواهند بود. همچنین در پایان می‌توان نتیجه گرفت با توجه به اثبات مبنای فقهی خاص تخفیف مجازات از جمله عفو و توجه ویژه شریعت مقدس اسلام به این مقوله، هدف اصلی نظام جزایی و کیفری اسلامی نه‌تنها انتقام نیست، بلکه اصلاح مجرم، توجه به امنیت جامعه اسلامی، اصلاح رابطه فرد (مجرم) و جامعه، و عدم تکرار جرم است.

منابع.....

قرآن کریم.

- نهج البلاغه (۱۳۸۸). ترجمه حسین انصاریان. چ چهارم. قم: آیین دانش.
- آزادی سلیمانی، بهزاد (۱۳۹۲). مبانی فقهی تخفیف مجازات و عقو در قانون مجازات اسلامی / ایران. ایلام: دانشگاه ایلام.
- حاجی ده‌آبادی احمد و رجبی، محمد (۱۳۹۴). تأملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. حقوق اسلامی، ۴۶، ۷-۳۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- الحسنی، اسماعیل (۱۴۱۶ق). نظریه المقاصد عند الامام محمد الطاهر بن عاشور. ویرجینیا آمریکا: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف مطهر (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: آستان قدس رضوی.
- طالبی آشتیانی و دیگران (۱۳۹۸). مبانی فقهی قاعده تخفیف و مسامحه در مجازات‌های حدی و تعزیری. حقوق اسلامی، ۶۰، ۱۸۵-۲۱۲.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. چ پنجم. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چ دوم. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ترجمه حسین نوری همدانی و دیگران. تهران: فراهانی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چ سوم. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۴). فقه و مقاصد شریعت. فقه اهل‌بیت، ۴۱، ۱۵۸-۱۱۸.
- غزالی، ابوحامد (۱۴۰۷ق). المستصفی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لا یخضره الفقیه. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۰). آموزش عقاید. چ هفتم. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۲). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت.